

گفت و گوی  
صبا با عوامل  
نمایش کودک  
«اوکاپی»

# جادویی از رنگ، نور و موسیقی در بطن یک قصه انسانی

مریم عظیمی  
گفت و گو

این روزها در سالن گلستان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، زهرا ناظری که پیشتر نیز نمایش‌های موقعی مانند «فورا باغ» و «غریبه» و... را در کارنامه کاری‌اش دارد و خود دانش‌آموخته رشته تئاتر عروسکی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است نمایشی به نام «اوکاپی» را روی صحنه دارد که با استقبال چشمگیر مخاطبان و پر شدن صندلی‌های خارج از ظرفیت مواجه است. این نمایش قصه یک اوکاپی است که به دلیل تفاوت‌هایش دچار چالش‌هایی در زمینه دوست‌یابی و ارتباط شده است. در ادامه گپ و گفت‌خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.



زهرا ناظری  
کارگردان

## معتقدم باید چشم مخاطب را نوازش کرد

ایده اولیه این نمایش چگونه شکل گرفت و همکاری شما با آقای امین رضا ملک محمودی در زمینه نوشتن اثر چگونه بود؟  
من یک معلم و تسهیلگر نمایش هستم و با بچه‌ها در

ارتباطم. روزی یکی از شاگردانم من را صدا زد و گفت: «می‌شود از شما خواهش کنم این هفته درباره دوستی صحبت کنید؟» همان لحظه این موضوع جرقه‌ای در ذهنم ایجاد کرد که چه خوب است درباره دوستی برای بچه‌ها نمایشی بسازم. از آنجا که من یک تسهیلگر، ایده نمایش‌هایم را از دل خود بچه‌ها پیدا می‌کنم. باور من این است که اگر بخواهیم یک نمایش کودک موفق باشد، باید از دغدغه‌های همان بچه‌ها تئاتر تولید کنیم. موضوعی که بارها در کلاس‌هایم دیده‌ام این است که بچه‌ها در ارتباطات انسانی خود با چالش روبه‌رو می‌شوند؛ این که آیا دیگری آنها را می‌پذیرد یا نه؟ اگر می‌پذیرد، چرا گاهی رفتارشان تغییر می‌کند؟ مرتب در طول کلاس‌هایم درگیر حل این چالش‌ها هستم که مثلاً بچه‌ها از اینکه دوستی ترکشان کرده غصه‌دار می‌شوند یا به دلیل وابستگی دچار رنج هستند. به همین دلیل فکر کردم که خودباوری در کنار دوستی چقدر ارزشمند است؛ این که یاد بگیریم در کنار دوست داشتن خودمان می‌توانیم دوستان خوبی داشته باشیم و چه بسا که ابتدا باید خودمان را باور کنیم تا بتوانیم دوست خوبی پیدا کنیم. در نتیجه، به طور کلی تمرکز من بر مفهوم دوستی، همدلی و کار گروهی قرار گرفت؛ مفاهیمی که متأسفانه نقطه ضعف بزرگی در مدارس ما محسوب می‌شوند. در ادامه ایده اولیه را با آقای ملک محمودی در میان گذاشتم و ایشان پذیرفتند که این ایده را پرورش دهند. پس از مدتی جلسات دو نفره‌ای برای پرورش ایده برگزار و شروع به نگارش متن کردیم. تمایل داشتیم شخصیت اصلی ما نقطه ضعفی داشته باشد که او را متفاوت از دیگران می‌سازد تا همین نقطه ضعف، درام را شکل دهد. در ابتدا به زرافه‌ای فکر می‌کردیم که گردش خیلی بلند است، اما آقای ملک محمودی پیشنهاد داد که برعکس نقطه ضعف این زرافه گردن خیلی کوتاهش باشد. پس از جست‌وجو دریافتیم گونه‌ای از زرافه‌های گردن کوتاه

در طبیعت وجود دارند که به دلیل همین ویژگی، منزوی و درون‌گرا هستند. بنابراین، این گونه بسیار مناسب بود تا به سوزن نمایش ما تبدیل شود و ما «اوکاپی» را به عنوان شخصیت نمایش انتخاب کردیم.

**کار ترکیبی از بازیگر، عروسک‌های تاپ تیل و سایه است که این تنوع را در کمتر نمایش کودک می‌شاهد هستیم.**

به نظر من برای موفقیت یک نمایش کودک، دو عنصر ضروری باید در کنار هم باشند. نخست، ایده، سوزن، متن و محتوایی دلنشین، ساده و قابل فهم برای همگان؛ و دوم، فرمی هنری که درخور همان محتوا باشد. من همواره تلاش کرده‌ام در حوزه کودک بدیع و نوآور باشم، چیزی را خلق کنم که کمتر دیده شده باشد و به عروسک‌هایی برسیم که مشابه آنها کمتر باشد و به سمت تکنیک‌ها و سوزن‌هایی بروم که کمتر به آنها پرداخته شده است. عروسک‌های این نمایش کمتر دیده شده‌اند و با وسواس بسیار زیاد در طراحی و خرید متریالشان عمل کردیم و همه عوامل، از طراحی لباس گرفته تا طراحی صحنه، در خدمت کار بودند تا به‌روز و نوآور باشیم و از نظر بصری محتوایی غنی به کودک ارائه دهیم؛ محتوایی که برای او جذاب باشد. تنوع بصری در رنگ و طرح‌ها، به‌ویژه در طراحی عروسک‌ها، بسیار اهمیت داشت. من به‌عنوان کارگردان طرح اولیه را به خانوم صبا قدیمی ارائه دادم و ایشان نیز در ارتقای کیفیت طرح‌ها نقشی اساسی ایفا کرد و آن‌ها را به عروسک‌هایی واقعی تبدیل نمود.

**یکی از جذابیت‌های نمایش این بود که یک شو با جشن در جریان بود و در جزئی‌ترین موارد، از نورها گرفته تا لباس‌های متنوع عروسک‌ها در صحنه‌های مختلف، به این جذابیت بصری دامن زده شده بود. جزئیاتی که برای بزرگسالان نیز چشم‌نواز و دلنشین بودند. اما نکته مهم‌تر**

**شاید تعادل میان فرم و محتوا در این نمایش است.** به باور من، این تعادل باید وجود داشته باشد و رسیدن به آن تلاش مضاعفی می‌طلبد. یکی از بازخوردهای مثبتی که بارها از مخاطبان دریافت کرده‌ایم این است که «شما سطح سلیقه ما را ارتقا داده‌اید» یا این که «نمایش شما فراتر از انتظاری است که از تئاتر کودک داشتیم». متأسفانه در ذهن بسیاری این تصور شکل گرفته که در نمایش کودک وجود یکی از این دو فاکتور کافی و آن نمایش اثر موقعی است. اما من به دلیل سخت‌گیری در مسیر دستیابی به سبک مورد نظرم، باور دارم که هر دو جنبه باید هم‌زمان وجود داشته باشند. این مسیر نیازمند زمان، تلاش، پیگیری و مقاومت در برابر مشکلات متعدد است؛ از مسائل مالی و اقتصادی گرفته تا یافتن افراد متعهد و مناسب برای همکاری. تقریباً یک سال زمان برد تا این نمایش از مرحله ایده تا اجرا برسد. طی این مدت را اجرایی‌کنند و در کنار آن، روی متن کار کردم تا متن نیز لایه‌های معنایی متعدد داشته باشد. به همین علت است که این نمایش ظرفیت آن را دارد که پس از اجرا ساعت‌ها در بازه‌اش صحبت شود؛ از مقاومت در مسیر رسیدن به رؤیایا، تا احترام به تفاوت‌های فردی، تا همدلی که شخصیت جوجتیگی نشان می‌دهد و... این تنوع در محتوا و معنا، در صحنه‌ها نیز به همان میزان حضور دارد. من معتقدم باید چشم مخاطب را نوازش کرد؛ همچون یک موسیقی خوب که سلیقه شنونده را ارتقا می‌دهد. در حوزه کودک نیز باید سلیقه او را بالاتر برد و به جای راضی کردنش با چیزی ساده، کیفیت واقعی را ارائه داد چرا که کودکان امروز انیمیشن‌های متنوع می‌بینند و به این‌ترننت دسترسی دارند، بنابراین دید بصری گسترده‌تری پیدا کرده‌اند. برای جذب چنین نسلی، باید زمان صرف کرد و نمایشی با کیفیت برایشان تولید نمود.

